

برگردان به فارسی: منوچهر خواجه نوری

وکیل پایه یک دادگستری

آیین نامه داخلی هماهنگ شده کانون های وکلای فرانسه

○ مقدمه

وکیل یاری دهنده عدالت است. وکلا پیوسته نقش برجسته ای در اجرای عدالت داشته اند و از همین رو اختیاراتی به آنها داده شده و تکالیفی بر عهده آنها گذارده شده است. محاکم نمی توانند نسبت به وکیل از آن رو که نمایندگی موکل را بر عهده گرفته و به او یاری می رساند بی تفاوت باشند یا حتی او را طرف دعوا بشمار آورند بلکه در راه وظیفه اجرای عدالت که قانون به او داده است وکیل را باید در هیأت دادگستری متحد و همکار خود بدانند.

پیرو این ویژگی که برای وکیل شناخته شده تکالیف و حقوقی نیز برای او ایجاد شده است. حق این که دادگاه اظهارات او را هر اندازه که برای بیان مدافعاتش لازم باشد بشنود. در محدوده مقررات حاکم بر حوزه قضایی می تواند حق الزحمه خود را دریافت دارد. حق دارد طرز به کارگیری وقت خود را تنظیم کند و مثل یک محکوم به اعمال شاقه از یک دادگاه به دادگاه دیگر نرود و از یک جلسه بازپرسی به جلسه کارشناسی نشتابد بلکه امکان آن را داشته باشد وقت خود را طوری تقسیم کند که بتواند از حقوق موکلش دفاع کند.

قسمت اول

ماده ۱- اصول حرفه وکالت

۱-۱ حرفه وکالت شغلی است آزاد و مستقل

۱۶۲ وکیل دادگستری عضو کانون وکلایی است که توسط شورای کانون وکلا اداره می شود.

۱۶۳ احترام به مقررات و تفاسیر

وکیل دادگستری باید مقررات ذکر شده در آیین نامه های مرتبط با حرفه وکالت را محترم بشمارد.

همه ارزش هایی که اصول بنیانی این حرفه را تشکیل می دهند در هر اوضاع و احوالی راهنمای رفتار وکیل دادگستری می باشند. تفسیرهای مقررات قانونی - آیین نامه ای و ترتیبی در حرفه وکالت رعایت می شود. وکیل می بایست وظایفش را با شایستگی، وجدان، استقلال و درستکاری و انسانیت انجام دهد و اصول شرافت، درستی، بی نظری، همکاری، نزاکت و ادب را رعایت کند.

همچنین وکیل دادگستری در مقابل موکل خود ملتزم به اخلاص، دقت، احتیاط و ابراز شایستگی است.

۱۶۴ مجازات: عدم رعایت هر یک از مقررات و تکالیف بالا خلاف محسوب و موجب مجازات انتظامی است.

ماده ۲ - اسرار حرفه ای

۱۶۲ اصول

اسرار حرفه ای وکیل دادگستری از قواعد نظم عمومی است. اسرار حرفه ای عام، مطلق و از نظر زمانی نامحدود می باشد.

وکیل الزاماً، رازدار موکل می باشد. حفظ اسرار حرفه ای نفع عمومی جامعه محسوب می شود و هیچ کس نمی تواند وکیل دادگستری را از چنین تعهدی معاف سازد.

۲۶۲ ماده اسرار حرفه ای

اسرار حرفه ای شامل همه موارد زیر اعم از قلمرو مشاوره یا دفاع می باشد.

- نظرات مشورتی که به موکل می دهد.
- مکاتبات بین موکل و وکیل یا بین وکیل و همکاران وی.
- یادداشت ها و به طور کلی اوراق پرونده.

● همه اطلاعات و مطالب محرمانه‌ای که در اجرای حرفه وکالت، وکیل از آنها مطلع می‌شود.

● دفتر یادداشت روز وکیل و اسامی موکلین.

● صورت حساب‌های مالی و سایر مدارک مالی که در اجرای بند ۳ ماده ۲۷ قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۷۱ تنظیم شده است.

● اطلاعاتی که از طرف حسابداری‌ها یا هر شخص ثالثی به دست وکیل برسد (که فقط می‌تواند آن را به موکلش بگوید)

۲.۳ ساختار حرفه‌ای شغل وکالت و چگونگی اعمال اسرار حرفه‌ای

مجموعه اشخاصی که با وکیل دادگستری در دفتر او همکاری دارند می‌بایست در حفظ اسرار وکالتی همانند وکیل دادگستری عمل کنند. چنانچه اسرار حرفه‌ای به هر ترتیب افشا شود وکیل دادگستری پاسخ‌گویی آن خواهد بود.

هنگامی که وکیل به صورت گروهی وکالت می‌کند و یا به روش اشتراک وسایل شرکت دارد حفظ اسرار وکالتی به همه همکاران وکالتی و یا آنها که از وسایل مشترک استفاده می‌کنند تسری پیدا می‌کند.

۲.۴ اسرار بازپرسی

وکیل دادگستری اسرار بازپرسی را که در پرونده کیفری و یا اطلاعاتی که به منظور دفاع از پرونده استخراج کرده است باید محرمانه حفظ کند و از انتشار اوراق یا نامه‌ها و اسنادی که مورد علاقه روز رسانه‌ها می‌باشد پرهیز کند. با این حال هرگاه وکیل دادگستری بخواهد فتوکپی یک برگ از پرونده بازجویی را که در اجرای بند ۴ ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری به او داده شده است در اختیار موکلش بگذارد بایستی بر طبق مقررات بند ۷ از ماده ۱۱۴ همان قانون که به موجب قانون ۳۰ دسامبر ۱۹۹۶ تغییر یافته است. لیست اوراق یا اسنادی را که لازم است به موکلش بدهد به اطلاع بازپرس برساند.

در صورت موافقت بازپرس بیکل او باید مقررات بند ۱ از ماده ۱۱۶ آیین دادرسی کیفری را به موکل تفهیم کند و قبل از دریافت تعهد موکل، در اجرای بند ۱ ماده ۱۱۴ قانون، از در اختیار گذاردن پرونده نزد موکل خودداری کند.

۲.۵ قاعده

تخطی از حفظ اسرار حرفه‌ای جرم جنحه‌ای است.

ماده ۳- محرمانه بودن مکاتبات بین وکلا

۳.۱ اصول

همه مبادلات بین وکلا اعم از کتبی یا شفاهی از اسرار حرفه‌ای هستند و طبعاً محرمانه می‌باشند.

مکاتبات بین وکلای دادگستری هر اندازه حایز اهمیت باشد در هیچ موردی نمی‌توان آنها را توقیف یا در دادگاه ابراز کرد یا تصمیم به رفع محرمانه بودن آن گرفت.

۳.۲ استثناها

موارد زیر از اسرار حرفه‌ای محسوب نمی‌شود و در نتیجه محرمانه نمی‌باشند.

- مکاتباتی که هدف آن جایگزینی یک سند دیگر باشد.
- مکاتباتی که روی آن کلمه رسمی نوشته شده باشد اعم از مکاتبات بین وکلا یا اشخاص به شرط آن که اشاره‌ای به مذاکرات یا مکاتبات محرمانه نداشته باشد.

۳.۳ روابط اتحادیه اروپا (U-E)

وکیل دادگستری در روابط با وکلای دادگستری کشورهای عضو اتحادیه اروپا مکلف است مفاد ماده ۵۳ قانون وظایف وکلای دادگستری اتحادیه اروپا که در ماده ۱۹ این قانون آورده شد محترم بشمارد.

۳.۴ روابط با وکلای دادگستری خارجی

وکیل دادگستری - در رابطه با وکلایی که تبعه اتحادیه اروپا هستند قبل از مبادله اطلاعات باید اطمینان حاصل کند که در کشور طرف او مقررات محرمانه بودن مکاتبات وکیل وجود دارد. در صورت منفی بودن موافقت‌نامه‌ای دال بر محرمانه بودن مکاتبات را به امضاء وکیل طرف برساند و یا از موکل پرسش کند که آیا خطر تجاوز به محرمانه بودن را می‌پذیرد؟

۲.۵ قاعده

رییس کانون وکلا این اصول را در مقابل هر نوع تجاوز تضمین می‌کند و احترام به

رعایت آن را در محدوده مقررات و وظایف وکالتی تأمین می‌کند.

ماده ۴- تعارض منافع

۴-۱ اصول

وکیل دادگستری نمی‌تواند مدافع یا مشاور چند نفر در یک دعوا باشد که بین منافع آنها تعارض وجود داشته باشد مگر آن که طرفین در این مورد با هم توافق کنند. آزادی انتخاب وکیل مطلق است و در صورت تعارض منافع موکلین مقید می‌گردد.

تعارض منافع

۴-۲ تعریف

در موارد زیر تعارض وجود دارد:

- هر گاه وکیل دادگستری هنگام قبول وکالت در امر مشاوره خواه به دلیل ارزیابی موقعیت موجود باشد یا عدم امکان استفاده از دلایل حقوقی که به نفع موکل است و یا از نظر درک این واقعیت که منافع یک یا چند نفر ممکن است در خطر قرار بگیرد نتواند نظر مشورتی صادقانه و بدون ملاحظه به موکل خود بدهد مورد از موارد تعارض می‌باشد.
- همچنین هنگام قبول وکالت اگر کمک به چند نفر او را در دفاع از موکل و به کارگیری استدلال‌های لازم و ریزه‌کاری‌های وکالتی مانع شود.
- تحولی که موجب پیدایش یکی از مشکلات بالا بشود.

در موارد زیر تضاد منافع وجود ندارد:

- در هر موردی که وکیل دادگستری با آگاه ساختن موکلین و کسب موافقت آنها قبول کرد اختلاف بین چند موکل را مرتفع سازد و موفق نشد که رفع اختلافات کند بعداً نمی‌تواند مشاوره یا وکالت یکی از آنها را در همان مورد قبول و رفع اختلاف کند.

- نیز هر گاه با موافقت چند موکل با یک استراتژی مشترک نظر مشورتی به آنها بدهد.

اگر وکلایی که در یک مجموعه وکالتی هستند هر یک در چهارچوب یک مذاکره به

وکالت یکی از آن موکلین دخالت کنند. مشروط بر این که موکلین از تعلق آنها به یک ساختار مشترک آگاه باشند تضاد منافع وجود ندارد.

۴.۳ حدود دخالت وکیل

خودداری از پذیرفتن وکالت

در مواردی که بین طرفین توافق شده باشد و سپس اختلاف منافع پیدا شود و خطر آن باشد که اسرار حرفه‌ای برملا و یا استقلال وکیل در معرض خطر قرار گیرد وکیل باید از پذیرفتن دعاوی موکلین خودداری کند.

اگر پذیرفتن دعاوی موکل جدید موجب شود اسرار وکالتی موکل قدیم در معرض تجاوز قرار گیرد و یا اطلاع وکیل از دعاوی موکل قدیم موجب شود موکل جدید به نحو غیرموجهی از این موقعیت استفاده کند وکیل نباید وکالت جدید را به پذیرد.

موارد خاص

در صورت خطر جدی تعارض منافع وکیل باید قبل از قبول وکالت یکی از موکلین موافقت بقیه را به دست آورد. در مورد در خواست‌های متعدد چند نفر در یک دعوا وکیل نمی‌تواند دعاوی یکی را بدون احترام گزاردن به مقررات بالا بپذیرد.

وکیل دادگستری می‌تواند در سایر دعاوی موکلین خود بدون کسب موافقت آنها دخالت کند مشروط بر این که این دعاوی با هم تعارض نداشته باشند و به استقلال او لطمه نزنند و به اسرار حرفه‌ای آسیبی وارد نسازند.

ساختار حرفه‌ای و چگونگی اجرای آن

هنگامی که وکلای دادگستری به صورت گروهی کار می‌کنند مقررات مربوط به تعارض منافع شامل مجموعه گروه و همه اعضای آن خواهد شد.

در مورد وکلای دادگستری که با ساختار و اشتراک وسایل با یکدیگر کار می‌کنند چنانچه در داخل این ساختار احتمال برملا شدن اسرار حرفه‌ای وجود داشته باشد مقررات یاد شده درباره آنها اعمال می‌شود.

ماده ۵- رعایت احترام اصل حضوری بودن

۵-۱ اصل

وکیل باید به اصل حضوری بودن احترام بگذارد

تبادل لوایح و ابراز دلایل باید هم‌زمان در مواعد مقرر در قانون و به صورت کتبی به عمل آید تا با محترم شمردن حق دفاع دعوا به طور صحیح و منصفانه انجام گیرد.

۵-۲ این قاعده وکیل را ملزم می‌سازد که در موارد زیر اصل حضوری بودن را رعایت کند:

● در هر دادگاهی که حضور وکیل الزامی نیست و آن‌جا که اصل شفاهی بودن مدافعات جاری است.

● در برابر کمیسیون‌های بانکی.

● کمیسیون عملیات بورس.

● و به طور کلی در برابر همه ارگان‌هایی که به نحوی از انحاء دارای قدرت قضایی

هستند.

۵-۳ در دعاوی عمومی و در محاکم کیفری وکلای طرفین باید دلایل قانونی یا دلایل حقوقی و

دلایل اثبات را به دادیار و وکلای طرف مقابل تا پایان بازپرسی و در جلسه علنی تسلیم کنند.

هرگاه در یک دادرسی کیفری متهم به ارتکاب جتحه یا جنایت درخواست رسیدگی به ایرادهایی از قبیل ایراد عدم صلاحیت، شمول مرور زمان، امر مختومه و نظایر آن را می‌کند وکیل او، باید دلایل اثبات ایرادات را بدون تأخیر ارائه کند تا آن که طرف دیگر بتواند در مقام جواب از اصل حضوری بودن در مهلت لازم استفاده کند، به استثناء موردی که ابراز دلایل دلیل اقامه شده را به خطر اندازد که در این صورت قاعده عام یاد شده که وکیل متهم باید آن را محترم بشمارد اعمال خواهد شد.

۵-۴ روابط با طرف مقابل

وکیل دادگستری که دعوی را علیه طرفی اقامه می‌کند که وکیل او را می‌شناسد اگر به

منافع موکلش لطمه‌ای نمی‌خورد، باید قبلاً همکاری را از آن آگاه سازد.

در طول محاکمه رفتار وکیل دادگستری با همکاری که از طرف مقابل دفاع می‌کند

بایستی از اصول نزاکت همکاری و درست‌کاری، که بر حرفه وکالت حاکم است، الهام

بگیرد.

وکیل دادگستری که از تصمیم اتخاذ شده توسط قاضی کیفری پژوهش خواهی می‌کند بایستی بلافاصله وکیل طرف مقابل را آگاه سازد و در مورد درخواست ابطال به همین ترتیب عمل کند. همین قاعده در مورد پژوهش خواهی مدنی و تجدیدنظر خواهی از دعوای ماهوی صدق می‌کند.

۵۵ مبادله اسناد

مبادله اسناد به وسیله مبادله اصول اسناد یا فتوکپی آنها صورت می‌گیرد. اسناد باید شماره گذاری شده به مهر وکیل مهور گردد و همراه با یک فهرست یا تاریخ به امضای وکیل برسد. مبادله در شرایط زیر انجام گیرد.

- اسنادی که به زبان خارجی هستند بایستی همراه با ترجمه عادی باشند هرگاه به صحت ترجمه اعتراض شود باید ترجمه مترجم قسم خورده با آن همراه گردد.
 - دلایل واقعه و دلایل قانونی و دلایل قانونی که در فوق پیش‌بینی شده ممکن است به صورت گزارش خلاصه شده یا به صورت دادخواست باشند.
- رویه قضایی و دکترین در صورتی که منتشر نشده باشند به دادگاه تسلیم می‌شوند و در صورتی که منتشر شده باشند مشخصات کامل آنها به وکلای دیگر داده خواهد شد.

۵۶ قاعده

تخطی از اصل حضوری بودن تخلف است و می‌تواند موجب مجازات انتظامی گردد.

قسمت دوم: فعالیت‌های وکالتی

ماده ۶- حوزه فعالیت حرفه‌ای وکیل دادگستری

۶-۱ تعریف حوزه فعالیت

وکیل دادگستری یاری‌دهنده دادگستری و فعالیت او به جهانی شدن حقوق کمک می‌کند.

مأموریت او دخالت حرفه‌ای در قلمرو زندگی فردی، اقتصادی و اجتماعی مردم با اصل احترام به اصول اصلی حاکم بر حرفه وکالت می‌باشد.

۶۲ شایستگی برای وکالت

وکیل دادگستری قانوناً شایستگی کمک به موکلین و احراز نمایندگی آنها را در دادگستری بدون آن که حتی در وکالت‌نامه تصریح شده باشد با در نظر گرفتن استثناهای پیش‌بینی شده در متون قانونی و آیین‌نامه‌ای دارا می‌باشد.

وکیل دادگستری شایستگی آن را دارد که به موکلینش در مورد اجرای مقررات و اصول قضایی، تنظیم اسناد، معاملات و قراردادها خواه در اصل وکالت یا به تبع آن نظر مشورتی بدهد و به آنها کمک کند.

او می‌تواند از موکلش مأموریت در دادگستری به پذیرد و شایستگی آن را دارد که در چهارچوب وظیفه خود مانند سرپرستی امین و با رعایت حقوقی که بر عملیات او قابل اعمال می‌باشد هر وظیفه‌ای را انجام دهد.

۶۳ وکالت‌نامه

پس از تحقق آن چه ذکر شد وکیل می‌تواند از موکل خود وکالت بگیرد و موضوع وکالت غیر از دفاع یا نمایندگی اختیارات دیگر از قبیل داور، کارشناسی، صلح، سازش و مدیریت تصفیه باشد. به علاوه وکیل می‌تواند وظیفه قیم، ولی و وصی را اعمال کند. همچنین مذاکره و امضای حساب موکل را بخصوص در چهارچوب پیمانکاری به‌پذیرد و نیز نماینده مالی موکلش باشد. این قبیل وکالت‌نامه‌ها باید منجز بوده و نمی‌تواند عام باشد.

او می‌تواند موکلش را جهت مذاکره در یک مجمع یا ارگان همراهی کند و نیز موظف است در این موارد وکیل شخص حقوقی یا نماینده قانونی شخص حقوقی و یا دعوت‌کننده را در صورت لزوم آگاه سازد.

وکیل دادگستری می‌تواند هم خود مالی را به امانت به‌پذیرد و هم به عنوان ثالث طبق قرارداد و یا از طرف دادگاه امانت به‌پذیرد لکن از به امانت گرفتن و یا به سپرده پذیرفتن اشیایی که به طور آشکار غیرقانونی و متقلبانه است خودداری کند.

به علاوه او باید قرارداد کتبی که طبیعت، دامنه و مدت مأموریتش را معلوم می‌سازد و شرایط و چگونگی خاتمه آن و نحوه پرداخت حق‌الزحمه را مشخص کند و به امضای موکل برساند. هنگامی که وکیل امانت‌دار وجوه، دارایی‌ها یا اشیاء به‌دار باشد باید آنها را

بدون تأخیر به CARPA یا حساب سپرده رییس کانون بسپارد. هر وکالتی که به وکیل دادگستری داده می شود باید کتبی و همراه با نام و خصوصیات موکل و ذکر موضوع وکالت باشد.

۶.۴ الزامات و ممنوعیت های مربوط به وکالت

وکیل دادگستری موظف است مورد وکالت را محترم شمرده و دقیقاً آن را اجرا کند و در صورتی که اوضاع و احوال ایجاب کند از موکل خود به خواهد اختیارات او را تمدید کند چنانچه وکیل متوجه شود وکالتی که به او محول شده است انجام آن توسط وی غیر ممکن می باشد باید بدون تأخیر موکل را از آن آگاه سازد.

وکیل دادگستری نمی تواند بدون اجازه موکل مورد وکالت را به خود یا به حساب خود منتقل کند.

وکیل دادگستری نمی تواند موکلش را به موجب قرارداد به نحو غیر قابل برگشت متعهد سازد. هنگامی که وکیل به موجب وکالت نامه اختیار جوه، دارایی ها، اوراق بهادار یا انتقال اموال موکل را دارد باید این اختیارات صراحتاً در وکالت نامه ذکر شده باشد یا اگر تصریح نشده باشد موکل کتباً این اجازه را به وکیل بدهد.

وکیل دادگستری از انجام معامله صوری به جای دیگری که حق انجام آن را ندارد و از انجام معاملات دلالی و دریافت حق الجماله و فعالیتی که جنبه بازرگانی دارد و با حرفه وکالت سازگاری ندارد ممنوع است. وکیل دادگستری نمی تواند وکالت اداره کردن معاملات اوراق بهادار یا غیر متقول را بپذیرد مگر به صورت فرعی و اتفاقی آن هم پس از آگاه ساختن رییس کانون.

هنگامی که یکی از مأموریت های ذکر شده در بند ۳-۶ به وکیل دادگستری داده شود وکیل در اجرای آن تابع اصول اساسی وکالت خواهد بود و باید بخصوص از مستقل ماندن خود اطمینان حاصل کند.

هنگامی که به وکیل دادگستری داوری داده می شود او باید مقررات آیین دادرسی داوری را مراعات کند. و بخصوص به مهلت آیین دادرسی و محرمانه بودن مذاکرات پای بند بوده اصل حضوری بودن و برابری بین همه اصحاب دعوا را هم رعایت کند و هم دیگران را وادار به رعایت کند.

ماده ۷ - نوشتن اسناد

۷-۱ تعریف نویسنده

وکیل دادگستری که به تنهایی یا با همکاری شخص حرفه‌ای دیگر سند حقوقی به حساب یک یا چند نفر اعم از آن که مشاور داشته باشند یا نه می‌نویسد و امضای آنها را در زیر سند می‌گیرد نویسنده آن سند محسوب می‌شود.

صرف عمل نوشتن متن یک سند توسط وکیل دادگستری در صورتی که امضای آن بدون حضور او گرفته شده باشد موجب نویسنده تلقی شدن وی نمی‌شود. وکیل دادگستری در صورتی که خود را نویسنده فکری سند می‌داند می‌تواند نام و عنوانش را روی سند که نوشته و یا در نوشتن آن مشارکت داشته است بنویسد:

- موجب آن گردیده که او طرف یا چند طرف گواه تلقی شود.
 - به اسرار حرفه‌ای او یا به جنبه محرمانه بودن مذاکرات آسیب وارد خواهد ساخت باید از دخالت کردن در نوشتن سند خودداری کند.
- وکیل دادگستری که در نوشتن یک سند خواه به عنوان نویسنده منحصر خواه با مشارکت یک شخص حرفه‌ای دیگر شرکت می‌کند نمی‌تواند در دادگستری برای اعتراض به اعتبار آن اقدام کند.

ماده ۸ - روابط با طرف مقابل

۸-۱ اصل

هرکس حق آن را دارد که با یک وکیل دادگستری مشاوره کند یا نظر مشورتی بگیرد و وکیل دادگستری از او دفاع کند.

۸-۲ حل و فصل دوستانه:

هرگاه اختلافی قابلیت آن را دارد که قبل از ورود در دعوا به طریق دوستانه حل و فصل شود وکیل دادگستری، با موافقت موکلش می‌تواند با طرف مقابل تماس بگیرد.

این تماس فقط از راه فرستادن یک نامه به طرف دیگر انجام می‌گیرد که در آن

یادآوری می‌شود که دریافت‌کننده نامه اختیار آن را دارد که با یک وکیل دادگستری دیگر مشورت کند. و از او به‌خواهد نام مشاورش را به اطلاع وی برساند.

در این نامه، وکیل دادگستری باید در حالی که موضوع درخواست را به طور خلاصه بیان می‌کند از بیان هر مطلب نادرست و هر نوع تهدیدی خودداری کند. این نامه می‌تواند احتمال اقامه دعوا را ذکر کند.

این مقررات درباره هر رابطه تلفنی هم که وکیل آغازکننده آن نمی‌تواند باشد اعمال می‌شود.

۸۳ اقامه دعوا

هنگامی که در نظر است دعوایی اقامه شود یا طرح دعوایی در جریان می‌باشد وکیل دادگستری نمی‌تواند با طرف مقابل ملاقات کند مگر پس از آن که به او اطلاع بدهد که نفع وی در آن است که این ملاقات انجام شود.

هرگاه طرف مقابل اطلاع داد که قصد دارد از یک وکیل دادگستری استفاده کند از این وکیل باید در هر ملاقاتی دعوت به عمل آید. در دادرسی که طرف مقابل وکیلی انتخاب نکرده است یا در دعوایی که وکیلی خود را از طرف مقابل معرفی کرده وکیل دادگستری به عنوان وکیل موکلش می‌تواند هر حکم یا دستور صادره از دادگاه یا هر اخطار پرداخت را به شخص طرف مقابل بفرستد یا به شخص او پاسخ بدهد.

در صورتی که طرف مقابل وکیلی داشته باشد یا در دعوایی وکیل طرف مقابل خود را معرفی کند وکیل باید منحصرأ با همکاری او ارتباط برقرار کند.

معهداً در صورتی که در دعوایی وکلای طرفین تعیین شده باشند وکیل می‌تواند نامه‌هایی را که ارزش سند دادرسی دارند به نشانی طرف دادرسی به‌فرستد مشروط بر این که هم زمان با آن به نشانی وکیل طرف هم آن را ارسال دارد.

۸۴ در همه حالات وکیلی که وظیفه کمک کردن به یک موکل را در یک معامله دارد نمی‌تواند بدون حضور موکلش یا بدون موافقت او به گفت‌گو به‌پردازد.

برای گفت‌گو کردن با طرف دعوایی که دارای وکیل می‌باشد وکیل نمی‌تواند او را به تنهایی به‌پذیرد مگر آن که همکاری او از پیش با آن موافقت کرده باشد.

ماده ۹ - جانشین شدن وکیل در یک پرونده

۹.۱ وکیل جدید

وکیلی که در یک پرونده مداخله کند باید بررسی کند که آیا قبلاً یک یا چند وکیل دادگستری به عنوان مدافع یا مشاور موکل در آن دخالت داشته‌اند یا نه.

وکیلی که قبول می‌کند در یک پرونده جانشین همکارش بشود باید قبل از هر مداخله‌ای همکارش را کتباً آگاه سازد و از مبالغی که احتمالاً نام برده از موکل او طلب دارد پرسش کند.

در هیچ حالتی وکیل جدید نمی‌تواند از منافع موکل علیه وکیل یا وکلای قبلی دفاع کند مگر آن که رییس کانون قبلاً با آن موافقت کرده باشد.

۹.۲ وکیل برکنار شده

وکیل برکنار شده حق نگاهداری مدارک موکل را ندارد و باید بدون تأخیر همه مدارک ضروری برای آشنایی کامل با پرونده را در اختیار بگذارد.

۹.۳ حق الوکاله قابل پرداخت

در صورتی که حق الوکاله به وکیل قبلی که در پرونده دخالت داشته پرداخت شده باشد وکیل جدید باید کوشش کند که حساب آنها تسویه شود.

مادام که این مبالغ تسویه نشده است جز در مواردی که رییس کانون موافقت کرده باشد او نمی‌تواند هیچ فعالیتی انجام دهد یا وجهی دریافت کند.

اجازه رییس کانون می‌تواند مشروط به سپرده‌گذاردن مبلغی که او تعیین می‌کند بشود.

هرگاه وکیل جدید مقررات دو بند پیش را رعایت نکند ممکن است او شخصاً مدیون وجوهی که بایستی به وکیل یا وکلای قبل از او پرداخت گردد شناخته شود.

۹.۴ معاضدت قضایی

مقررات بالا در حالی که یک وکیل انتخابی بعد از یک وکیل معاضدتی مداخله می‌کند مجری است.

ماده ۱۰ - تبلیغات

۱۰-۱ تعریف تبلیغات

تبلیغات کارکردی به منظور شناساندن وظیفه وکیل و کانون وکلا می باشد و در صلاحیت سازمان‌هایی است که این حرفه پیشه آنها است.

تبلیغات شخصی وکیل در حدی که اطلاعات ضروری را به عموم برساند مجاز می باشد.

این تبلیغات باید منطبق با واقعیت بوده اسرار وکالتی را محترم شمرده و با مناعت و نزاکت همراه باشد.

۱۰-۲ انواع تبلیغات منع شده

هر عملی که توأم با اصرار یا تقاضا باشد برای وکیل ممنوع است. منظور از اصرار آن است که خدمات وکالتی را با مراجعه شخص وکیل و یا نماینده او به خانه موکل، به محل اقامت مشخص، به محل کار، محل استراحت، محل پذیرایی او یا در یک محل عمومی عرضه می کند.

منظور از تقاضا آن است که پیشنهاد و پذیرفتن خدمات وکالت از سوی وکیل به صورتی که باب سلیقه موکل باشد به عمل آید و بدون آن که از او دعوتی به عمل آمده باشد ارایه گردد.

مقررات دو بند پیشین همچنین شامل عرضه خدمات و پیشنهادهای که طبق سلیقه شخصی در آمده باشد و فرستاده نشود می گردد.

تبلیغات به منظور مشاوره و یا نوشتن اسناد که از طریق پخش اوراق و نامه‌ها، اعلان دیواری، فیلم سینمایی، انتشار رادیویی یا تلویزیونی انجام گردد ممنوع می باشد.

۱۰-۳ سایر آگهی‌های تبلیغاتی که ممنوع نمی باشد

موارد زیر تبلیغات ممنوع محسوب نمی شوند:

- سازمان دادن یک کنفرانس، سمینار و دوره‌های آموزش حرفه‌ای
- شرکت وکیل در یک سالن نمایشگاه حرفه‌ای

۱۰-۴ سر کاغذ

سر کاغذ وکلا مانند هر مدرکی که به اشخاص ثالث فرستاده می شود باید تابع

مقررات تبلیغات شخصی باشد روی سر کاغذهای وکلا فقط باید نام کسانی که به حرفه وکالت اشتغال دارند یا در دفتر مربوط کار وکالت می‌کنند ذکر گردد.

آن چه الزاماً باید ذکر شود

● روی سر کاغذ باید نشانی، شهرت، نام وکیل، نام دفتری که با آن کار می‌کند، کانون وکلایی که به آن تعلق دارد شماره تلفن و تلکس نوشته شود. در صورتی که عضو کابینه‌ای است نام آن هم باید نوشته شود.

در حالتی که انجام وکالت فردی نباشد سر کاغذ باید نوع وکالت را هم ذکر کند. اعم از: شرکت مدنی وکالتی، شرکت انجام وکالت لیبرال و شرکت مشارکتی.

ساختارهای مشترک بودن وسایل کار نمی‌توانند از سر کاغذی استفاده کنند که در ذهن عموم ساختار نحوه اجرایی جلوه کند.

سر کاغذ می‌تواند متذکر موارد زیر باشد:

● شماره تلکس، نشانی الکترونیکی.

● عناوین دانشگاهی و دیپلم‌ها و مشاغل تدریس عالی در فرانسه و در خارج

● امتیازات حرفه‌ای

● شغل قضایی که قبلاً به آن اشتغال داشته

● درجه‌ای که در خارج به او داده شده و به او اجازه می‌دهد که در فرانسه به وکالت

اشتغال ورزد

● یک یا چند تخصص که بر طبق مقررات به دست آورده است.

● نام و شهرت وکلایی که در دفتر وکالت بر طبق یکی از اشکال پیش‌بینی شده در قانون همکاری دارند.

● ذکر دفتر یا مؤسسه دوم یا وابسته

● مشارکت در ساختارهایی که در وسایل با وکیل مشترک هستند و در گروه

GIE, GEIE و شبکه‌ها قرار دارند.

● شروط برای این که آن چه ذکر می‌شود با واقعیت و با قراردادهایی که به کانون

وکلا داده شده منطبق باشند.

همچنین ذکر موارد زیر در سر کاغذ مجاز می‌باشد:

- ذکر logo حرفه‌ای و با موافقت کانون وکلا logo دفتری که با آن مرتبط می‌باشد.
- ذکر گواهی نامه بیمه از نوع (ایزو) iso که منحصرأ نشانه استاندارد و مدل و نام مؤسسه گواهی کننده می‌باشد (مثال: دفتر وکالت دارای گواهی iso ۹۰۰۱ که نام ارگانسیم گواهی کننده مجاز می‌باشد) و پهلوی آن شماره ثبت نزد این ارگانسیم را می‌نویسد.

۱۰۵ کارت‌های ویزیت حرفه‌ای

روی کارت‌های ویزیت حرفه‌ای یک وکیل می‌توان همان کلماتی را به کار برد که روی سر کاغذ وکیل مجاز دانسته شده و مناصب اجتماعی یا سازمانی را که به آن تعلق دارد.

تابلوهای وکیل باید حالت و ابعاد به قاعده و مناسب داشته باشد و در محل ورودی ساختمان و محل استقرار دفتر نصب گردد و روی آن به جز آنچه که در بند ۴ قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۷۱ که به وسیله قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۹۰ تغییر یافته ذکر شده چیزی نوشته نشود.

۱۰۶ اعلام وقایع یا آگهی‌ها:

۱۰۶ در اعلام وقایع یا در آگهی‌ها از جمله آگهی‌هایی که در مطبوعات درج می‌شود باید مشخصات کامل و فنی وکیل از جمله مستقر شدن وکیل در محل‌های جدید، ملحق شدن شریک جدید به دفتر وکالت، مشارکت با یک گروه مجاز و بازکردن یک دفتر دوم ذکر شود.

۱۰۸ نشریه

وکیل می‌تواند نشریه‌ای برای شناساندن دفترش منتشر کند.
هر نشریه‌ای قبل از انتشار باید به کانون وکلا فرستاده شود.

نکاتی که درج آن الزامی می‌باشد:

نشریه باید هر آن چه را که باید الزاماً روی سر کاغذ نوشته شود در برداشته باشد.

نکاتی که درج آن مجاز می‌باشد:

وکیل می‌تواند آن چه را که مجاز است روی سر کاغذ خود درج کند و نیز همه اطلاعاتی را که برای ارزیابی و سنجش فعالیت دفتر وکالت مفید می‌باشد در نشریه بیاورد. نکات زیر را مخصوصاً می‌تواند در آن بنویسد:

- قدمت کار هر یک از وکلای دفتر
- سازمان و ساختار داخلی دفتر
- قلمرو فعالیت دفتر
- زبان‌های خارجی که به کار برده می‌شود
- چگونگی تعیین حق‌الزحمه
- مشروط به موافقت آنها، نام کارکنان، غیروکیل را که به صورت منظم و مؤثر با دفتر یاد شده همکاری دارند.

● مشارکت وکلا در کادر تدریس

- صورت دفاتر و مؤسسات دوم و نام طرف‌های مکاتبه در خارج مشروط بر این که با هر یک از طرف‌های خارج یک قرارداد منعقد شده و به کانون وکلا داده شده باشد.

مواردی که ذکر آن ممنوع می‌باشد:

نشریه اطلاعاتی نباید به موارد زیر اشاره داشته باشد:

- نام موکلین، ولی استثنائاً نشریه‌ای که نام موکلین در آن درج شده باشد می‌تواند در خارجه در کشورهایی که انتشار چنین نشریه‌ای مجاز می‌باشد با موافقت موکلین منتشر شود.

● فعالیت‌هایی که با اشتغال به حرفه وکالت ارتباطی نداشته باشند.

- نشریه به مسؤلیت کامل نویسنده یا نویسندگان آن که نامشان در آن ذکر شده چاپ و منتشر می‌شود انتشار نشر برای عموم مجاز است. نشریه باید فقط توسط کابینه وکیل پخش شود بدون آن که مجاز باشند آنها را در مکان‌های عمومی بگذارند یا به منظور پخش به اشخاص ثالث بدهند به استثناء سرویس‌های پخش که خدمات پستی پیشنهاد می‌کنند.

۱۰۹ گواهی بیمه حسن کار»

انتشار گواهی‌نامه (بیمه حسن کار) کابینه وکالت

تعریف:

در بیمه حسن کار و روش گواهی کردن وکلا در فرانسه در صورتی که وکیلی بخواهد آن را به اطلاع عموم برساند بایستی هنجار (NORMES) های مقررات و روندهایی را که

توسط ISO تعریف شده بدون توجه به هر نوع دیگر از هنجار بیمه حسن کار محترم
بدارد.

روش گواهی کردن:

اقدام به گرفتن گواهی نامه باید به کانون وکلای محل دفتر وکیل یا محل انجام وکالت یا
احتمالاً به کانون وکلای محل مرکز اصلی آن اطلاع داده شود.

گواهی نامه دفتر وکالت فقط می تواند یک دفتر فردی یا یک ساختار انجام وکالت را
در برگیرد. و ساختار استفاده از وسایل کار، شبکه های وکالت، یا خدمات یا
تقسیم بندی های دفتر مشمول آن نمی شود.

برای استفاده از روش سمعی گواهی نامه وکلای فرانسه می توانند به هر سازمان
صدور گواهی نامه که در یک کشور اتحادیه اروپا معتبر شناخته شده (مثلاً در فرانسه به
هر سازمانی که توسط COFRAC معتبر شناخته شده مراجعه کنند.

سازمان صدور گواهی نامه فقط می تواند مؤسسه سمعی را که دوره بخصوص مورد
نظر شورای ملی کانون ها را گذرانده است تعیین کند.

سر کاغذی که حوزه فعالیت وکیل را تعیین می کند نباید با عنوان دیپلم ها و
تخصص های آیین نامه ای ابهامی ایجاد کند.

به کاربران گواهی نامه

وکیلی که در نظر دارد که متن گواهی نامه بیمه حسن کار را به کاربرد باید گواهی نامه در
جریان صدور را با مشخصات صریح و کامل و نیز سوابق صادرکننده گواهی نامه و موارد
استفاده از آن را به کانون وکلا اعلام کند.

گواهی نامه روی سر کاغذ به ترتیبی که قبلاً گفته شد و روی نشریاتی که پخش
می شود و به صورت کلی تر روی همه اوراق یا مدارک لازم برای چاپ و نشر که دفتر
وکالت مورد استفاده قرار می دهد مجاز می باشد.

۱۰۱۰ درج در دفتر تلفن و می نی تل

هر وکیلی می تواند نامش را در فهرست عمومی و در صورت اقتضاء زیر هر یک از
فهرست های تخصصی مربوط به تخصصی که برای او شناخته شده ذکر کند.

یک وکیل یا دفتر وکیل می تواند نام خود را در سالنامه ناحیه ای که دفتر اصلی وکیل

در آن قرار دارد و در سال‌نامه ناحیه‌ای که دفتر یا دفاتر دومی که بر طبق مقررات اجازه تأسیس یافته‌اند. و نیز مؤسسات دوم و شعب آن را درج کند. در مورد دفتر دوم وکیل ملزم است که متن قابل درج در سال‌نامه را نزد رییس کانون که دفتر دومی در حوزه آن قرار دارد با نظر رییس کانون درج کند.

مطالب قابل درج یاد شده قبلاً به کانون فرستاده می‌شوند. این مطالب با مسؤلیت انحصاری صاحب آن درج می‌شوند و صاحب آن باید بر صحت مطالب و انطباق آن با اصول اساسی مراقبت داشته باشد.

۱۰-۱۱ اینترنت

این نوع تبلیغات بایستی منطبق با مقررات ماده ۱۶۱ فرمان ۲۷ نوامبر ۱۹۹۱ و فرمان شماره ۷۸۵-۷۲ مورخ ۲۵ اوت ۱۹۷۲ باشد.

متون مجاز همان‌هایی هستند که برای نشریه‌ها گفته شده‌اند. وکیلی که پیشنهاد بازکردن یک سایت اینترنت را دارد باید به کانون وکلا اطلاع بدهد و مرکز آبونمان و چگونگی دسترسی به سایت را به آن اعلام کند.

ماده ۱۱ - حق الوکاله - حقوق پیش‌پرداخت چگونگی پرداخت حق الوکاله

۱۱-۱ مشخص ساختن حق الوکاله

حق الزحمه و بازپرداخت هزینه‌ها و پرداخت

وکیل حق دارد که حق الوکاله و حق الزحمه‌ای را که در مقابل کار انجام شده و خدماتی که عرضه کرده و نتیجه‌ای که به دست آمده است و نیز بابت پرداخت هزینه‌ها و پیش‌پرداخت‌هایی که انجام گرفته دریافت دارد.

حق الزحمه وکیلی که از طرف موکل پرونده‌ای به او محول می‌شود حق کسب شده وکیل است و حتی اگر قبل از حصول نتیجه پرونده از او گرفته شود بابت کاری که انجام داده است استحقاق دریافت حق الزحمه را دارا می‌باشد.

۱۱-۲ آگاه ساختن موکل

وکیل باید موکلش را از چگونگی تعیین حق الزحمه‌اش آگاه سازد. پیش از تسویه حساب نهایی باید ریز حساب را به ترتیب پیش‌بینی شده در ماده ۲۴۵ فرمان نوامبر

۱۹۹۱ در اختیار او بگذارد. وکیل باید پیوسته یک حسابداری جداگانه از حق الزحمه‌ها و مبالغی که توانسته دریافت کند و از پاداش‌هایی که به او پرداخت شده به استثنای مبالغی که مقطوعاً دریافت می‌دارد. برای هر پرونده داشته باشد.

عناصر تشکیل دهنده حق الوکاله

- وقتی که برای دعوا صرف کرده است.
- کارهای تحقیقاتی.
- ماهیت و سختی کار.
- اهمیت منافی که مورد دعوای باشد.
- تأثیر هزینه‌ها و شارژ دفتری که وکیل عضو آن است.
- شهرت، مقام و عنوان، سابقه کار، تجربه و تخصص وکیل.
- امتیازات و نتیجه‌ای که بر اثر کار او موکل به دست آورده است.
- موقعیت موکل.

۱۱۳ نحوه پرداخت

طرز پرداخت مجاز

وکیل حق دارد حق الزحمه به نتیجه رسیدن کار را به عنوان مکمل بابت نتیجه خدمات انجام شده مطالبه و دریافت کند.

او می‌تواند موافقت کند که حق الزحمه‌اش مقطوع باشد.

وکیل می‌تواند از موکلش حق الوکاله را به اقساط و یا به صورت مقطوع دریافت کند.

روش‌های منع شده

وکیل نمی‌تواند حق الزحمه‌اش را به مبنای قرارداد PACTE DE QUATALITIS دریافت کند. قرارداد مذکور قراردادی است که بین وکیل و موکل قبل از اتخاذ تصمیم قضایی نهایی منعقد شده و کل حق الزحمه را بر مبنای نتیجه قضایی دعوا تعیین می‌کند خواه حق الزحمه مبلغی پول باشد یا مال یا اشیاء به‌هادر وکیل نمی‌تواند حق الزحمه‌اش را از غیر موکل یا وکیل او دریافت دارد.

حق الزحمه بر مبنای سهمی از خواسته دعوا ممنوع است.

۱۱۴ پیش‌پرداخت بابت هزینه و حق‌الزحمه

وکیلی که دعوایی را می‌پذیرد باید از موکلش بخواهد که مبلغی پیش‌پرداخت بر مبنای بر آورد هزینه‌ها و مبلغ حق‌الوکاله به او به‌پردازد مگر آنکه تشخیص بدهد که اوضاع و احوال خاص آن را غیرضروری کرده است. این پیش‌پرداخت نباید از یک برآورد منطقی حق‌الوکاله و پیش‌پرداخت احتمالی که پرونده آن را ایجاب می‌کند تجاوز کند.

در صورتی که پیش‌پرداخت مطالبه شده واریز نشود وکیل می‌تواند از پرداختن به پرونده خودداری کند یا استعفا بدهد بدون آن که منافع موکل را در معرض خطر قرار دهد.

۱۱۵ تقسیم حق‌الوکاله

وکیل مربوط:

وکیلی که از برقرار ساختن ارتباط میان موکل و وکیل دیگر خودداری می‌کند و پرونده موکل را به وکیل یا مشاور دیگر محول می‌کند شخصاً مسئول پرداخت حق‌الوکاله هزینه‌ها و پیش‌پرداخت‌ها که به وکیل مربوط تعلق می‌گیرد، به عنوان پرداخت به درخواست وکیل خواهد بود. وکلا می‌توانند از همان ابتدا به طور کتبی خلاف آن را توافق کنند به علاوه وکیل اولی می‌تواند در هر زمان کتباً تعهدش را محدود به مبلغی کند که تا آن موقع بدهکار بوده است و از آن تاریخ به بعد دیگر مسئولیتی نخواهد داشت. جز در موردی که خلاف آن شرط شده باشد مراتب بند بالا در روابط وکیل و هر شخصی که وکیل با او به صورت مکاتبه‌ای مشورت کرده یا به او مأموریتی داده است قابل اعمال خواهد بود.

نوشتن اسناد به صورت مشترک:

درباره نوشتن اسناد و هنگامی که یک سند مشترکاً توسط چند وکیل نوشته شده است پرداخت حق‌الزحمه هر یک از مداخله‌کنندگان باید توسط موکل یا شخص ثالثی که دستور آن را داده پرداخت گردد و به حساب شخص ثالث مزبور خواهد بود. در صورتی که عرفاً حق‌الوکاله نوشتن سند انحصاراً به عهده یکی از دو طرف باشد و مشروط به آن که در سند صراحتاً شرط شده باشد حق‌الوکاله نباید در صورت نبودن

شرط مخالف متساویاً بین وکلایی که مشترکاً در نوشتن آن شرکت داشته‌اند تقسیم گردد.

تقسیم حق الوکاله‌ای که ممنوع می‌باشد:

تقسیم حق الوکاله یا حاصل کار توسط وکیل بخصوص در مواردی که ظاهر بر لزوم تقسیم باشد بین وکیل و شخص حقوقی که وکیل نیستند ممنوع می‌باشد.

استثنا بر ممنوعیت

این اصل مانع از آن نخواهد شد که مقررات قابل اعمال بر شرکت‌هایی که موضوع آنها انجام دادن مشترک چندین شغل آزاد مجاز می‌باشد به موقع اجرا گذارده شود.

در موردی هم که وجه یا پاداشتی به وراثت یک وکیل هم کار پرداخت می‌شود این اصل اعمال نمی‌گردد.

۱۱۶ حق الوکاله در شرایطی که به موجب قوانین و آیین‌نامه‌ها پیش‌بینی شده است نقد یا به وسیله چک: انتقال بانکی، به وسیله سند در وجه حامل یا به وسیله کارت بانکی پرداخت می‌شود. وکیل می‌تواند پرداخت را به وسیله براتی که توسط محال علیه قبولی نوشته شده باشد بپذیرد.

پشت‌نویسی فقط به نفع بانک وکیل تنها به منظور وصول قابل انجام می‌باشد. وکیلی که دارنده برات پرداخت نشده باشد می‌تواند در دادگاه بازرگانی اقامه دعوا کند.

با این حال هرگاه طلب حق الوکاله مورد تعرض قرار گیرد وکیل باید به رییس کانون وکلا، از نظر پرداخت مالیات و درخواست قرار اناطه در مقابل دادگاه بازرگانی مراجعه کند.

ماده ۱۲ - انواع مزایده در فروش‌های دادگاه

۱۲-۱ فروش قضایی

در مورد فروش‌های قضایی که در دادگاه به عمل می‌آید نمی‌توان به فهرست بهایی که مواد و شرایط عمومی آن، فهرست بهایی تیپ متفاوت باشد استناد کرد (هنگامی که

هیأت مدیره کانون وکلا آن را پذیرفته باشد) تغییرات احتمالی از طرف رییس کانون یا نماینده او پیشنهاد خواهد شد.

وکیل در مورد آگهی‌ها باید بر طبق عرف محل عمل کند.
در همه حالات نام وکلای تعیین شده باید در آگهی قانونی ذکر شود.

۱۲.۲ مزایده

وکیل باید از هویت موکل از اهلیت او و از ملایت او و در صورتی که پای شخص حقوقی در میان باشد از اختیارات نماینده شخص حقوقی اطمینان حاصل کند. وکیل نمی‌تواند یک مال را به حساب چندین موکل مزایده بگذارد.

وکیل نمی‌تواند برای اشخاصی که تعارض منفعت دارند مالی را به مزایده بگذارد. حتی در حضور موکل و در جلسه‌ای که وکالت از طرف موکل برای مزایده‌گزاردن حضور دارد باید با دستور کتبی که در آن حداکثر و مبلغ مزایده مجاز به حروف و به عدد مشخص شده باشد داشته باشد.

وکیل ممنوع از قبول وکالت شخصی است که برای اولین بار در جلسه دادگاه به او معرفی می‌شود و حاضر نیست الزاماتی را که بر طبق قانون و عرف و این متن بر عهده او گزارده شده است محترم بشمارد.

جز در موردی که وکیل از طرف یک شخص عمومی یا یک سازمان عمومی در مزایده شرکت می‌کند در سایر موارد پیش از به فروش گزاردن موکل باید چک یا ضمانت نامه مخصوص سپرده‌ای که هزینه‌های قبلی، مالیات نقل و انتقال، هزینه آگهی و حق الزحمه را بپوشاند به وکیل به سپارد.

در حالتی که در مزایده قیمت بالاتر پیشنهاد می‌شود پیش‌پرداخت باید علاوه بر سپرده یاد شده در بند بالا هزینه‌ها و مالیات فروش اول و هزینه‌ها و پیش‌پرداخت‌های قابل پیش‌بینی کردن در فروش دوم را بپوشاند. هنگامی که وکیل برنده مناقصه به حساب شخصی می‌شود نمی‌تواند در این مزایده قیمت بالاتر به نام شخص دیگری بدهد مگر آن که برنده مزایده قبلی کتباً با آن موافقت کند.

در حالت مزایده‌گزاردن یک قسمت از ملک شرکتی وکیل بی‌گیری کننده باید مدیران شرکت را از آن آگاه کند.

ماده ۱۳ - موقعیت وکیل افتخاری

۱۳-۱ چگونگی به دست آوردن عنوان

عنوان وکیل افتخاری، ممکن است به درخواست ذینفع به وسیله هیأت مدیره کانون وکلا به وکیلی که در تابلوی اشخاص حقیقی ثبت شده باشد و به مدت بیست سال نزد دادگاه یا نزد مشاور حقوقی کار وکالت کرده باشد، داده شود.

عنوان وکیل افتخاری، به هیچ وجه به کسی که به اصول اساسی حرفه لطمه می‌زند یا لطمه بزند داده نمی‌شود. دادن عنوان وکالت افتخاری را نمی‌توان رد کرد یا از کسی گرفت بدون این که وکیلی که درخواست عنوان وکالت افتخاری کرده است یا وکیل افتخاری شده است بر طبق مقررات به هیأت مدیره کانون دعوت شده باشد. هرگاه علت پس گرفتن عنوان از میان رفته باشد ذینفع می‌تواند در خواست جدید به هیأت مدیره بدهد.

۱۳-۲ امتیازها

وکلائی افتخاری که عضو کانون وکلا هستند در لیست مخصوص وکلای افتخاری کانون ثبت می‌شوند. آنها حق دارند به مناسبت انتخابات، تشریفات و تظاهرات لباس مخصوص وکالت را بپوشند. آنها در مجامع عمومی با دادن رأی مشورتی شرکت می‌کنند.

آنها در انتخاب رییس کانون و اعضای هیأت مدیره و اعضای شورای ملی کانون‌ها از حق رأی برخوردار دارند.

وکلائی افتخاری از کتاب‌خانه و خدمات کانون استفاده می‌کنند.

آنها می‌توانند کارت وکیل افتخاری از کانون دریافت کنند.

۱۳-۳ فعالیت‌ها و مأموریت‌ها

رییس کانون وکلا یا هیأت مدیره می‌توانند آنها را به هر مأموریت و فعالیت که برای اداره کانون، به نفع اعضایش یا به نفع حرفه وکالت باشد منصوب کنند: وکلای افتخاری می‌توانند:

- مأموریت قضاوت - داوری، کارشناسی یا میانجیگری را به‌پذیرند.
- در یک کمیسیون اداری یا در یک ژوری کنکور یا امتحان شرکت کنند.

با این حال مشاوره یا نوشتن اسناد موکل به موافقت رییس کانون می‌باشد.

قسمت سوم

انجام وکالت و ساختارها

ماده ۱۴ - موقعیت قانونی وکیل همکاری کننده یا حقوق بگیر

۱۴-۱ تعریف همکاری کردن و حقوق بگیر

همکاری کردن یک نوع انجام دادن وکالت است که در آن هیچ نوع رابطه متابعت وجود ندارد و به موجب آن وکیل قسمتی از فعالیتش را به دفتر وکیل دیگر تخصیص می‌دهد و می‌تواند موکلین خود را داشته باشد.

حقوقی بگیر یک نوع انجام حرفه وکالت است که در آن متابعت وجود ندارد مگر در مورد مشخص کردن شرایط کار

وکیل حقوق بگیر نمی‌تواند شخصاً موکل داشته باشد مگر موکلین معاضدت قضایی

یا وکالت تسخیری

قرارداد کار وکیل حقوق بگیر در مورد شرایط خارج از مقررات قانون ۳۱ دسامبر

۱۹۹۰ و فرمان ۳۷ نوامبر ۱۹۹۱ تابع قانون کار و قرارداد دسته‌جمعی ۱۷ فوریه ۱۹۹۵

می‌باشد.

۱۴-۲ اصول حاکمه

شرایط انعقاد قرارداد همکاری کردن یا قرارداد کار

ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ امضاء همه موافقت‌نامه‌های همکاری یا کار کردن که با

وکیل امضاء شده باید برای کنترل به هیأت مدیره کانون وکلایی که وکیل همکاری کننده

یا حقوق بگیر در آن نامش ثبت شده سپرده شود.

به همین ترتیب است در مورد هر تغییر یا تجدید قرارداد.

هیأت مدیره می‌تواند در مهلت یک ماه به وکلا تغییراتی را که در قرارداد باید داده

شود تا منطبق با مقررات حرفه‌ای وکالت باشد ابلاغ کند.

ساختار قرارداد:

وکیل همکاری کننده یا حقوق بگیر باید بتواند در شرایطی کار کند که مواد زیر در آن

تضمین شده باشد.

● حق تشکیل یک سازمان تحت عنوان سازمان دایمی و تحصیل اختیارات

مخصوص

● اسرار وکالتی و استقلال وکیل که به موجب سوگند وکالت حفظ می‌شود.

● وکیل باید دارای اختیار آن باشد که از قبول مأموریتی که با وجدان او مخالفت دارد

معاف گردد.

● وکیل همکاری کننده اختیار دارد که موکلین خود را داشته باشد و آنها را زیاد کند

بدون آن که در قبال آن عوض مالی بدهد.

قرارداد باید در عین حال موارد زیر را پیش‌بینی کند:

مدت و چگونگی انجام: مدت و دوره کارآموزی، مهلت اخطار در حالت قطع قرارداد بر

طبق ماده ۴-۱۴ بعدی برای وکیل همکاری کننده، مدت مرخصی که در قرارداد

دسته‌جمعی برای وکیل حقوق بگیر تعیین می‌شود و دوره استراحت تعیین شده برای

وکیل همکاری کننده (یک ماه مگر آن که پیش‌تر توافق شود).

● چگونگی جانشینی در مدت غیبت وکیل همکاری کننده یا حقوق بگیر به سبب

بیماری یا زایمان.

قرارداد نمی‌تواند موارد زیر را در برداشته باشد.

● اعراض از مواد الزامی

● محدود کردن آزادی تأسیس مؤسسات بعدی

● محدود کردن الزامات حرفه‌ای در خصوص معاضدت قضایی یا وکالت تسخیری

● مشارکت وکیل همکاری کننده در هزینه‌های گسترش دادن موکلین شخصی او در

پنج سال اول همکاری.

● مواردی که احتمال لطمه وارد کردن به استقلال وکیل می‌رود که پشتوانه آن سوگند

می‌باشد.

رییس کانون می‌تواند پس از گرفتن همه تضمین‌های لازم در خصوص شرایط انجام

کار، استقلال وکیل و محرمانه بودن اسرار وکالت اجازه بدهد که قراردادهای همکاری با

هم مجتمع شوند. قرارداد همکاری کردن باید الزاماً یک ماده درباره رفع اختلافات

توسط رییس کانون وکلا داشته باشد.

۱۴.۳ قرارداد

استقلال تکنیک:

وکیل همکاری کننده یا حقوق بگیر اختیار استقلال کردن و دادن نظرات مشورتی خود را دارند. هرگاه استقلال آنها مغایر با استقلال وکیل اصلی باشد که با آنها همکاری می‌کند باید قبل از اقدام او را آگاه سازند.

در صورتی که عدم توافق از بین نرود برای احترام به اصول اعتماد درست‌کاری و نزاکت وکیل همکاری کننده یا حقوق بگیر باید پرونده را مسترد دارد.

ممکن است توافق شود که امضای هر دوکیل یا پاراف آنها زیر همه اسناد در مکاتبات، مطالعات و مشاوره‌ها باشد.

کنار رفتن به دلیل وجدان

وکیل همکاری کننده یا حقوق بگیر می‌تواند از کسی که با او همکاری می‌کند یا از کارفرمای او بخواهد که او را از مأموریتی که به نظرش مخالف با وجدان یا استقلال او است معذور بدارد. درخواست کنار رفتن باید به قدر کافی سریع داده شود که به پیش‌رفت پرونده لطمه‌ای نزنند.

تشخیص سوءاستفاده از حق که بر اثر امتناع اصولی و بدون ارتباط با تغییر مهم در جهت‌گیری دفتر می‌باشد به تشخیص رییس کانون است.

موکلین شخصی

وکیل همکاری کننده باید بتواند موکلین شخصی خود را داشته باشد و نمی‌تواند با یک طرف که منافع مغایر با منافع موکل دفتر دارد همکاری کند. وکیلی که با او همکاری می‌کند باید وسایل مادی را که برای نیازهای همکاری و افزایش موکلینش ضروری است و در شرایط عادی قابل استفاده کردن می‌باشد در اختیار او بگذارد.

از وکیل همکار در عرض پنج سال اول همکاری نمی‌توان در خواست کرد که از نظر مالی و گسترش موکلین شخصی‌اش کمکی انجام دهد.

وکیل حقوق بگیر نمی تواند نه موکل شخصی داشته باشد و نه برای به دست آوردن و زیاد کردن موکل کوشش کند. او باید کوشش خود را منحصرأً مصروف حل و فصل پرونده هایی که در طول مدت قرارداد کاری به او ارجاع شده است و کمک قضایی در پرونده هایی که وکیل تسخیری تعیین گردیده بکند.

کارآموزی

کارآموزی قواعد آموزش رفتاری و حرفه ای حق وکیل همکاری کننده یا حقوق بگیر است و دفتر وکالت باید خود را با آن تطبیق دهد.

موجبات این کارآموزی حرفه ای و قواعد رفتاری باید برای وکیل همکاری کننده یا حقوق بگیر از طرف کابینه ای که با آن همکاری دارد بدون عوض مالی فراهم شود. وکیل همکاری کننده باید یک ماه قبل از شروع دوره های کارآموزی دفتری را که با آن کار می کند از جلساتی که می خواهد در آن شرکت کند آگاه سازد.

تخصص

وکیل همکاری کننده یا حقوق بگیر باید بتواند از وقت کافی برای شرکت در جلسات آموزشی به منظور به دست آوردن تخصص برخوردار شود.

در صورتی که وکیل همکاری کننده یا حقوق بگیر بخواهد تخصص را در چهارچوب مقررات ماده ۸۸ فرمان ۳۷ نوامبر ۱۹۹۱ به دست آورد دفتر وکالت باید کارهایی به او محول کند که با تخصص مورد نظر او مرتبط باشد.

وکیل همکاری کننده یا حقوق بگیر که تصمیم بگیرد بعد از برخوردار شدن از آموزش رایگان خارج از دفتر وکالت که هزینه آن را کابینه وکالت پرداخته است، به قراردادش خاتمه بدهد، برحسب اصول نمی تواند غرامتی از این بابت مطالبه کند.

با این حال در صورتی که کارآموزی مذکور به سبب مدت و هزینه اش قابل توجه باشد ممکن است به موجب قرارداد پیش بینی شود. در این حال وکیل همکاری کننده یا حقوق بگیر در صورتی که غرامت معتنابه باشد می تواند درخواست کند مبلغی از آن کسر شود و یا در صورتی که مانعی در راه استقرار بعدی او باشد می تواند درخواست حذف کامل آن را بکند. غرامت را می توان ظرف مهلت حداکثر دو سال بعد از پایان

کارآموزی مطالبه کرد.

وکیل همکاری کننده

پس دادن حق الزحمه، جبران کردن مأموریت‌های معاضدتی و وکالت تسخیری

● پس دادن حق الزحمه: پس دادن مبلغ حق الزحمه که در قرارداد همکاری پیش‌بینی

شده نمی‌تواند کم‌تر از حداقلی باشد که کانون وکلا تعیین کرده است.

● حق الزحمه معاضدت قضایی و وکالت تسخیری

● وکیل همکاری کننده حق الزحمه‌ای را که در مقابل مأموریت معاضدت قضایی یا

وکالت تسخیری به او پرداخت گردیده برای خود نگاه خواهد داشت.

بیماری: در صورتی که به دلیل بیماری در طول یک سال به وکیل همکاری کننده

دسترسی نباشد حداکثر به مدت دو ماه حق الزحمه معمولی را به شکل غرامت روزانه که

به عنوان رژیم پیش‌گیری دسته‌جمعی وصول می‌شود دریافت می‌دارد

زایمان: وکیل همکاری کننده حامله حق دارد همکاریش را حداقل به مدت دوازده

هفته به انتخاب خود قبل و بعد از وضع حمل به طوری که مدت بعد از وضع حمل از

شش هفته کمتر نباشد تعلیق کند. وکیل همکاری کننده در مدت تعلیق دوازده هفته

حق الزحمه معموله‌اش را به شکل کسر کردن از فوق‌العاده که در چهارچوب رژیم

پیش‌گیری دسته‌جمعی الزامی کانون وکلا یا الزامی فردی پرداخت می‌شود دریافت

می‌دارد.

وکیل حقوق‌بگیر

قرارداد دسته‌جمعی حداقل حقوق و شرایط پرداخت غیبت به مناسبت تعطیلات یا

زایمان را مشخص می‌کند. قرارداد کاری باید پیش‌بینی کند که فوق‌العاده معاضدت

قضایی و وکالت تسخیری و تحت نظر بر مبنای حقوق و علاوه بر حداقل قرارداد

دسته‌جمعی دریافت می‌گردند.

همچنین ممکن است توافق شود که فوق‌العاده‌های تحت نظر که در خارج از ساعات

کار انجام می‌گیرند به عنوان defraiment نگاه‌داری شوند.

در صورتی که در قرارداد شرطی در خصوص آن نباشد وکیل حقوق‌بگیر حق الزحمه

مورد توافق بین طرفین و غرامت‌هایی را که مستقیماً به عنوان مأموریت‌های منافع عامه

دریافت می‌دارد یک جا می‌گیرد. قید هر شرطی که آزادی تشکیل دفتر وکالت بعدی را محدود کند ممنوع می‌باشد.

در ظرف دو سال بعد از خاتمه قرارداد وکیل همکار یا حقوق‌بگیر قبل از آن که برای گرفتن موکل دفتر وکالت فعلی که در آن کار می‌کردند دست به اقدام بزند بایستی دفتر مذکور را آگاه سازد.

موکل مثل موردی که وکیل همکار یا حقوق‌بگیر در زمان اجرای قرارداد عمل می‌کردند توافق می‌کنند.

وکیل همکار یا حقوق‌بگیر باید از هرگونه اقدام به رقابت نامشروع خودداری کنند.

۱۴.۴ خاتمه قرارداد

وکیل همکاری کننده

هر یک از طرفین می‌توانند با اخطار حداقل دو ماه قبل قرارداد هم‌کاری را خاتمه دهند، مگر آن که در زمان خاتمه دادن قرارداد توافق مناسب‌تری به حال وکیل همکاری کننده وجود داشته باشد.

هرگاه این مهلت از ماه‌های مه، ژوئن و ژوئیه شروع شود مدت آن به جای دو ماه سه ماه خواهد بود.

هرگاه مدت قرارداد بیش از پنج سال باشد این مهلت‌ها دو برابر خواهد شد.

در حالت نقض بیّن و مشهود مقررات حرفه‌ای رعایت آن ضروری نخواهد بود.

هرگاه در دوران آزمایشی قرارداد خاتمه یابد مهلت هشت روز خواهد بود.

دوره‌های استراحت پرداخت شده را که استفاده از آن قبل از اخطار خاتمه قرارداد ممکن نشده است می‌توان در دوران اخطار قبلی خاتمه کار استفاده کرد.

از تاریخ اخطار بارداری با انقضاء دوره تعلیق قرارداد که به مناسبت زایمان صورت می‌گیرد نمی‌توان به قرارداد همکاری خاتمه داد مگر در حالت نقض مهم مقررات حرفه‌ای که مرتبط با حالت بارداری نباشد.

وکیل حقوق‌بگیر

حق اخراج دربارہ وکیل حقوق‌بگیر از نظر شکلی و ماهیتی اعمال می‌شود و بخصوص در موارد: مذاکره قبلی ضرورت توجیه نقض جدی قراردادنامه مستدل اخراج

و غیره

در قرارداد دسته‌جمعی شرایط پایان دادن به قرارداد کار در خصوص اختطار قبلی پایان کار و غرامت اخراج ذکر می‌شود.

معافیت از اختطار قبلی

معاف بودن از دادن اختطار قبلی یا مهلت آگاه ساختن نیاز به توافق طرفین دارد و مانع از مقررات دو پاراگراف آخر ماده ۴-۱۴ نخواهد شد.

اقامتگاه پس از پایان قرارداد

سبب قطع روابط قراردادی هر چه باشد وکیل همکاری کننده یا حقوق‌بگیر می‌تواند نشانی اقامتگاه دفتر وکالتی را که ترک می‌کند تا هنگامی که کانون وکلا را از شرایط جدید انجام وکالت آگاه سازد حفظ کند مهلت آن حداکثر سه ماه می‌باشد.

حتی پس از این مهلت‌نامه‌های او برایش فرستاده می‌شود و نشانی پستی و تلفنی جدید او برای کسانی که درخواست کنند ارسال می‌گردد.

۱۴۵ مقررات مرافعات

رییس کانون وکلای محل ثبت‌نام (روی لیست کارآموزان یا تابلوی وکلا) وکیل همکاری کننده یا حقوق‌بگیر، صلاحیت قضاوت در اختلافاتی که ناشی از اجرا یا نقض قرارداد همکاری حقوق‌بگیری یا غیر آن باشد را دارا می‌باشد.

وکیل همکاری کننده

رییس کانون وکلا هنگامی که در چهارچوب مواد مربوط به توافق اجباری دخالت می‌کند مطالب طرفین را که احتمالاً با مشاورشان حضور می‌یابند می‌شنود.

او نظرش را ظرف سه ماه از تاریخ مراجعه اعلام خواهد داشت.

هرگاه دعوا پایان نپذیرد رییس کانون به طرفین پیشنهاد مراجعه به داوری می‌دهد.

وکیل حقوق‌بگیر

مواد ۱۴۲ و بعد فرمان ۲۷ نوامبر ۱۹۹۱ مقررات رفع اختلاف ناشی از قرارداد کار را تعیین می‌کنند.

رسیدگی به رفع این اختلافات در صلاحیت رییس کانون وکلا می‌باشد که به درخواست یکی از طرفین دخالت می‌کند. تصمیم رییس کانون قابل پژوهش خواهی در

دادگاه پژوهش است که بر طبق مواد ۱۵-۲ و ۱۶ فرمان ۲۷ نوامبر ۱۹۹۱ رسیدگی می‌کند.

رییس کانون باید تصمیماتش را ظرف شش ماه از تاریخ مراجعه به او اتخاذ کند و در صورتی که نکند از رسیدگی به دعوا فارغ است و رسیدگی در دادگاه پژوهشی انجام خواهد گرفت.

تصمیم‌های رییس کانون که حکم به پرداخت مبالغی به عنوان حقوق (فرد) می‌دهد قانوناً به عنوان پیش‌پرداخت تا حداکثر نه ماه حقوق بر مبنای حد متوسط سه ماه آخر قابل اجراء خواهد بود.

دیگر تصمیمات ممکن است در صورتی که به دادگاه ارجاع نشده باشد به وسیله رییس دادگاه بدوی قابل اجرا شوند. در همه موارد فوری، رییس کانون می‌تواند به درخواست یکی از طرفین دستور هر اقدامی که با هیچ اعتراض جدی برخورد نداشته باشد و وجود اختلاف آن را ایجاب کند، بدهد.

وکیل حقوق‌بگیر

رییس کانون همیشه حتی در برابر یک مرافعه جدی می‌تواند دستور اقدامات تأمینی یا برگردان به حالت اولیه را که برای جلوگیری از ورود خسارات زیاد یا ممانعت از آشوبی که به صورت بارز غیرقانونی است ضروری باشد بدهد. در موارد فوری مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ مراجعه به او اتخاذ تصمیم کند در غیر این صورت از رسیدگی به آن، به نفع رییس شعبه اول دادگاه پژوهش، فارغ خواهد شد.

ماده ۱۵ - دفتر وکالت دوم

۱۵-۱ تعریف:

دفتر وکالت دوم تأسیس حرفه‌ای دایمی، مستقل از دفتر وکالت اصلی می‌باشد. تأسیسی که توسط یک شرکت بین - کانون خارج از اقامتگاه قانونیش و در محل اقامتگاه قانونی یکی از شرکا ایجاد شده است یک دفتر وکالت دوم به معنای ماده ۸-۱ قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۷۱ نمی‌باشد.

۱۵۲ اصول

تأسیس یک یا چند دفتر دوم، در فرانسه و در خارجه، با رعایت مقررات ماده ۸۱۱ قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۷۱ اصلاحی، قانونی می‌باشد.

دفتر دوم باید پاسخ‌گویی شرایط عمومی اقامتگاه حرفه‌ای باشد و برای انجام واقعی حرفه وکالت مناسب باشد.

۱۵۳ باز کردن دفتر دوم وکالت وکیلی که می‌خواهد دفتر دوم باز کند بایستی شورای کانون خود را مستحضر سازد. او همچنین باید بسته شدن دفتر دوم را به شورای کانون خود اطلاع دهد.

دفتری که در فرانسه قرار دارد

وکیل باید اجازه شورای کانونی را که در حوزه آن قصد دارد مستقر شود نیز کسب کند.

در خواست اجازه بایستی همه اجزا آن را در بر داشته باشد به طوری که به شورای کانون اجازه بدهد که شرایط انجام فعالیت‌های حرفه‌ای بخصوص نام وکلایی را که در دفتر وکالت دومی کار می‌کنند بداند. درخواست اجازه باید رونوشت قراردادهای کار وکلای حقوق‌بگیر و قراردادهای همکاری وکلای همکاری‌کننده در دفتر دوم را همراه داشته باشد.

در خواست باید با پست سفارشی یا دو قبضه به قسمت پذیرش شورای کانون و به خود شورای کانون فرستاده شود.

قسمت پذیرش شورای کانون ظرف سه ماه از تاریخ دریافت نامه سفارشی تصمیم می‌گیرد، در صورتی که تصمیم نگیرد اجازه داده شده تلقی می‌گردد. در این حالت وکیل مکلف است که افتتاح عملی دفتر وکالت دومش را به شورای کانون خود اعلام کند.

همچنین وکیل مکلف است هر نوع تغییر در انجام حرفه وکالت در دفتر دوم از جمله بسته شدن آن و هر نوع مشکل که با دفتر پذیرش کانون پیدا می‌کند به شورای کانون خودش اعلام کند.

دفتر وکالت در خارجه

وکیل باید قبلاً اجازه تأسیس آن را از شورای کانون اوایه‌اش درخواست کند و شورای کانون مذکور مکلف است ظرف سه ماه از تاریخ دریافت آن اظهار نظر کند. در صورت عدم وصول موافقت کانون اجازه صادر نشده تلقی می‌گردد.

وکیل به شورای کانون کلیه مدارکی را که قانونی بودن درخواست پذیرش او را نشان دهد و مدرک دارا بودن بیمه مسؤولیت مدنی که فعالیت او را در خارجه پیوشاند تسلیم می‌کند.

وکیل باید در صورت لزوم اجازه مقام صلاحیت‌دار کشوری را که قصد دارد در آن جا مستقر شود درخواست کند.

شورای کانونی که وکیل می‌خواهد در حوزه او مستقر شود با مقام صلاحیت‌دار کشور مربوط توافق می‌کند.

۱۵۵۴ تبلیغات

وکیلی که اجازه یافته است دفتر دوم بازکند که در آن فعالانه کار کند می‌تواند آن را روی سر کاغذ و در همه تبلیغات مجاز خود به کار ببرد.

۱۵۵۵ مقرری

وکیلی که اجازه یافته است که دفتر دوم در فرانسه و خارج از حوزه کانون وکلایش باز کند، ممکن است ناچار باشد که به کانون وکلای محل پذیرش یک مقرری سالانه که توسط کانون محل پذیرش مبلغ آن تعیین می‌شود بپردازد.

۱۵۵۶ قواعد

وکیل برای فعالیت حرفه‌ای در دفتر وکالت دوم تابع مقررات انتظامی کانون خودش باقی می‌ماند.

اختلافات درباره حق الوکاله در صلاحیت رییس کانونی است که وکیل عضو آن می‌باشد.

وکیل، برای فعالیت در دفتر دوم خود باید مقررات داخلی کانون محل پذیرش را رعایت کند. کانون محل پذیرش می‌تواند اجازه بازکردن دفتر دوم را به موجب تصمیمی که بر طبق مقررات ماده ۱۶ فرمان ۲۷ نوامبر ۱۹۹۱ قابل پذیرش خواهی می‌باشد پس بگیرد.

ماده ۱۶ - شبکه وکالت و دیگر قراردادها: انواع - بازکردن دفتر اجازه دادن

۱۶-۱ تعریف شبکه

در اجرای این آیین‌نامه شبکه عبارت از سازمان حرفه‌ای رسمی یا غیررسمی بین یک یا چندین وکیل و اعضای یک حرفه یا مؤسسه دیگر است که با هم اشتراک منافع پر دوام به منظور ایجاد مشتریان بالفعل (actuelle) یا بالقوه و یا تسهیل پرداخت تکمیلی ایجاد می‌کنند. به وجود آمدن چنین اشتراک منافع و قتی فرض قانونی می‌شود که لااقل یکی از معیارهای زیر وجود داشته باشد:

● استفاده مشترک از یک عنوان یا علامت مشخصه مشترک از قبیل حروف یا کلمات مشترک یا طرح گرافیکی مشترک

● نشر و یا به کار بردن مدارک معرفی گروه یا هر یک از اعضای آن با ذکر تخصص‌های متعدد

● وجود مکانیسمی مستقیم یا غیر مستقیم در فرانسه یا در خارج که منجر به توزیع یا تقسیم هزینه‌ها یا درآمدها یا تعدیل حق الوکاله گردد.

● استفاده از وسایل بهره‌برداری مشترک یا مشترکاً استفاده کردن از وسایل برای این که بتواند اثر زیادی روی انجام کارهای حرفه‌ای داشته باشد.

● وجود موکلین مشترک قابل توجه که با پرداخت‌های متقابل با هم مرتبط باشند.

● قرارداد همکاری فنی یا مالی یا بازاریابی

۱۶-۲ اصول

وکیل یا ساختار وکلای عضو یک شبکه باید اطمینان حاصل کند که کارکرد شبکه آسیبی به اصول اساسی حرفه وکالت وارد نمی‌سازد. او باید بخصوص از مقررات ماده ۶۴-۴ قانون شماره ۱۱۳۰ - ۷۲ مورخ ۱۹۷۱/۱۲/۳۱ درباره رفتار به معنای ماده اول فرمان شماره ۷۸۵ - ۷۲ مورخ ۱۹۷۲/۸/۲۵ و یا رفتار موضوع ماده ۱۶۱ فرمان شماره ۱۱۹۷ - ۹۱ مورخ ۱۹۹۱/۱۱/۲۷ درباره تبلیغات تخلف نکند در صورت تخلف باید از شبکه خارج شود.

۱۶-۳ نام‌گذاری

وکیل عضو یک شبکه باید مراقبت کند که در افکار عموم ابهامی بین انجام حرفه

خودش و انجام حرفه‌های دیگر که در شبکه دخالت دارند، ایجاد نکند.
 وکیل عضو یک شبکه باید یک دلیل یا توجیه اجتماعی مشخص از نام این شبکه داشته باشد و به کار ببرد. به منظور حصول اطمینان از این که عموم مردم آگاهی کامل حاصل کرده‌اند او باید تعلق خود به این شبکه را ذکر کند.

۱۶۴ محدوده

یک وکیل نمی‌تواند در یک شبکه شرکت کند مگر آن که این شبکه منحصرأ صاحبان حرفی را در برگیرد که دارای حرفه‌های آزاد تحت نظم معین داشته باشد، دارای اخلاق حرفه‌ای باشد که مشابه اخلاق حرفه‌ای وکلا باشد و محترم شمردن آن اخلاق حرفه‌ای به وسیله یک تأسیس منظم یا نظیر آن کنترل شود.

۱۶۵ ناسازگاری حرفه وکالت

وکیل عضو یک شبکه نمی‌تواند از مقررات ماده ۱۱۱ - الف، فرمان سال ۱۱۹۷ - ۹۱ مورخ ۲۷ نوامبر ۱۹۹۱ مربوط به ناسازگاری حرفه وکالت با هر فعالیتی که جنبه بازرگانی داشته باشد خواه مستقیم یا به وسیله یک شخص واسطه تخلف کند.
 وکیل عضو شبکه نمی‌تواند، حتی با موافقت موکلش در صورتی که یک عضو دیگر شبکه حساب‌های همین موکل را به عنوان کمیسر حساب‌ها یا عنوان مشابه آن بر طبق حقوق خارجه کنترل یا گواهی می‌کند.

به طور عام‌تر یک وکیل نمی‌تواند در یک شبکه‌ای شرکت و موافقت کند که برخی از اعضایش در موارد زیر حق الزحمه دریافت کنند:

● حق الزحمه از شرکتی که یک عضو دیگر شبکه کنترل حساب‌های آن را به عهده دارد دریافت کند.

● حق الزحمه از یک شخص حقیقی یا حقوقی که سهام‌دار یا اداره‌کننده کنترل شرکتی باشد که وظیفه ذکر شده در بند قبلی را بر عهده دارد یا عضو.

۱۶۶ شفافیت

وکلا یا دفتر وکلای عضو شبکه‌ها بایستی کلیه موافقت‌نامه‌ها یا مدارک شرکتی را نزد کانون وکلای محل اقامتشان به‌سپارند. مدارکی که کانون را قادر سازد کاملاً از ساختار حقوقی، اقتصادی و مالی شبکه آگاه گردد، قانون قابل اعمال بر شبکه یا کشورهایی که

شبکه در آنها فعالیت دارد هر چه می‌خواهد باشد.

● ساختار عمومی شبکه که واحدهای مختلف و نیز قراردادهای مشارکت منعقد بین اعضای شبکه را نشان بدهد.

● شرح مختصری که با مطالعه آن، نقش‌هایی را که واحدهای مختلف ایفا می‌کنند، و قراردادهایی که درباره آن منعقد شده قابل درک باشد.

● شرح مختصر حرفه‌ها و پیشه‌هایی که اعضای شبکه به آن تعلق دارند.

● صورت اعضا

● شرح سازمان‌های مالی تصمیم‌گیری شبکه

ساختار سازمان‌های تصمیم‌گیری که در صورت لزوم سازمان‌ها را بر حسب کشور (چگونه حرفه‌های مختلفی که در شبکه شرکت دارند برای فرانسه سازمان داده شده‌اند) سازمان بین‌المللی بر حسب پیشه (چگونه وکلای کشورهای مختلف سازمان داده شده‌اند) و سازمان بین‌المللی، از یکدیگر جدا کند.

- برای سازمان‌های مختلف تصمیم‌گیری: نحوه انتخاب، وکالت‌نامه و اختیارات

واقعی

● شرح دادن انحاء مشارکت در هزینه‌ها و حاصل آنها

- تشکیل دهندگان مختلف شبکه (مستقیماً یا غیرمستقیم) در تأمین نیازهای مالی دفتر وکالت فرانسوی چگونه مشارکت می‌کنند (مثلاً: وجه نقد) قرض دادن، بدهی بابت خدمات، بر عهده گرفتن قسمتی از سرمایه، برگزاری در هزینه‌هایی که برعهده دفتر وکالت می‌باشد.

● و به طور متقابل چگونه دفتر وکالت فرانسوی در سرمایه‌گزاری دیگر تشکیل دهندگان شبکه مشارکت می‌کند:

- چگونه شرکای یک دفتر وکیل فرانسوی، مستقیم یا غیرمستقیم در حاصل کار دیگر واحدهای شبکه ذینفع هستند. (مثلاً سهم هر نفر از حاصل کار در شرکت‌های خدماتی، ارزش‌گذاری مشارکت، سیستم بازنشستگی، بخصوص به شکل قرارداد مشاوره)

● شرح اطلاعات وارده به داده‌ها، و روش دسترسی به محلی که داده‌ها در آن جمع شده و چگونگی دسترسی به آنها.

● شرح اقداماتی که به عمل آمده است تا کنترل داخلی در مورد احترام گزاردن به مقررات اخلاقی حرفه وکالت تأمین شود (مثال: تعارض منافع خطر آسیب رسیدن به استقلال وکالت به وسیله پرهیز کردن از استفاده از روش مراجعه به موکل (برای گرفتن کار وکالت) توسط اعضای دیگر.

۱۶.۷ تعارض منافع

وکیل نمی‌تواند در شبکه‌ای مشارکت داشته باشد که در آن اصول کامل شناسایی هویت و عدم پذیرش دعوی کسانی که منافع متضاد دارند اجرا نمی‌شود. محترم شمردن مقررات مربوط به تضاد منافع نه تنها در سطح دفتر وکلا که در سطح مجموعه شبکه نیز مهم شمرده می‌شود.

به طور کلی وکیل عضو یک شبکه نمی‌تواند:

● پیشنهاد قبول وکالت کسی را بدهد که یک عضو دیگر همان دفتر در مورد همان دعوا به طرف مقابل او پیشنهاد قبول وکالت داده است. یا به طور کلی‌تر به هر کسی در موقعیت تضاد منفعت با او یا در صورتی که خطر جدی تضاد منافع بین آن دو وجود داشته باشد پیشنهاد قبول وکالت بدهد مگر در صورتی که در حالت اخیر موکلش را از آن‌گاه کرده باشد.

● پذیرفتن دعوی یک موکل در صورتی که شناخت یکی از اعضای شبکه از کارهای یک موکل دیگر به صورتی ناموجه به نفع یکی از آنها و به ضرر دیگری باشد.

۱۶.۸ اسرار حرفه‌ای

وکلائی عضو شبکه باید بتوانند، به درخواست رییس کانونی که در حوزه آن به کار مشغول هستند ثابت کنند که سازمان مجموعه شبکه آنها اجرای مقررات اسرار حرفه‌ای را به خطر نمی‌اندازد.

۱۶.۹ استقلال

انجام وظیفه شبکه نمی‌تواند به استقلال وکیل آسیب برساند.

اعمال زیر خواه مستقیم باشد یا غیرمستقیم به استقلال وکیل آسیب می‌رساند:

● پذیرفتن مکانیسمی که منجر به تقسیم حاصل کار یا تعدیل مجدد حق الوکاله با یک

غیر وکیل در فرانسه یا در خارجه گردد.

● پذیرفتن یک رابطه تبعیت وکیل یا کنترل سلسله مراتبی در اجرای وظایف وکیل به وسیله شاغلین غیروکیل دیگر.

وکیل عضو شبکه باید در همه موارد مراقبت کند که صورت حساب پرداخت او مشخص و مبلغ حق‌الوکاله مخصوص او روشن باشد.

لغت «وکیل» شامل وکلای یک کانون وکلای خارجی با دارندگان عنوانی که در کشور دیگر معادل وکیل باشد خواهد بود.

ماده ۱۷ - ساختار کارکردن بین کانونی

۱۷.۱ اشکال ممکن

ساختارهای تعاملی بین کانونی ممکن است به شکل اجتماع یا شرکت تشکیل شده بین وکلای متعلق به کانون‌های مختلف باشد.

۱۷.۲ ساختار بین کانونی به هر دادگاه از طریق یکی از اعضای که نامش در کانون مستقر در نزد این دادگاه ثبت شده است اعلام موجودیت می‌کند.

۱۷.۳ ثبت کردن

ساختار کارکردن بین کانونی در تابلوی کانون اقامتگاه اجتماعی آنها و در تابلوی هر یک از کانون‌هایی که وکلای ساختار مذکور ممکن است مراجعه کنند ثبت می‌شود.

۱۷.۴ قرارداد کار

قرارداد کار وکلای حقوق‌بگیر در مقابل دریافت رسید یا به وسیله نامه سفارشی دو قبضه (با درخواست گواهی رسید) به شورای کانونی که نام وکیل حقوق‌بگیر در آن ثبت شده است، به شورای کانون محل اقامت ساختار داده می‌شود.

۱۷.۵ در حالت وجود تعارض شورای کانونی که وکیل حقوق‌بگیر به آن تعلق دارد بعد از دریافت نظریه شورای کانون اقامتگاه ساختار اعلام نظر خواهد کرد.

۱۷.۶ کنترل حساب‌داری

کنترل حساب‌داری در محل اقامت ساختار بین کانونی انجام می‌گیرد.

قسمت چهارم

روابط بین وکلای متعلق به کانون‌های مختلف

ماده ۱۸ - مقررات معارض بین کانونی:

در صورتی که مشکلی بین وکلای کانون‌های مختلف باشد و به وسیله توافق بین رؤسای کانون‌های مربوط بر طرف نشود این دو رییس کانون یک رییس انتخاب می‌کنند. اختلاف به وسیله نظر مشترک سه رییس کانون یا نمایندگان مربوط آنها به صورت مشترک حل و فصل می‌شود.
رؤسای کانون ذینفع بر اجرای نظریه صادره نظارت خواهند کرد.

ماده ۱۹ - قانون رفتاری حرفه وکالت

شورای مشورتی کانون‌های اروپایی در سال ۱۹۹۸ در استراسبورگ قانون رفتاری حرفه وکالت را تصویب کرد که در سال ۱۹۹۸ در لیون در آن تجدید نظر شد و مقررات آن در زیر می‌آید مقررات آن بر طبق رهنمود شماره ۲۴۹ - ۷۷ مارس ۱۹۷۷ مربوط به وکلای اتحادیه اروپا می‌باشد.

وکلای فرانسوی باید مقررات آن را در فعالیت‌های قضایی و حقوقی در اتحادیه اروپا یا خارج از سرزمین جمهوری فرانسه و در ارتباط با وکلای دیگر اتحادیه اروپا خواه در داخل مرزهای اتحادیه اروپا یا خارج از آن رعایت کنند مشروط به این که وکلای یاد شده متعلق به کانون وکلایی باشند که رسماً مرتبط بودن با این قانون را پذیرفته باشند.

در این روابط مقررات رفتاری حرفه وکالت که بر طبق ماده ۳ - ۵ - ۱۹ قانون اروپایی، که بعداً خواهد آمد، در ارتباط با روابط وکلای همکاری که از کانون‌های وکلای یک کشور عضو اتحادیه اروپا نیستند نیز اجرا می‌شود و درباره سایر وکلا اجرا نمی‌شود.

همچنین در صورتی که مکاتبه بین دو وکیل تابع فرانسه که یکی از آنها متعلق به کانون وکلای فرانسه باشد و دیگری منحصرأ متعلق به یک کانون غیر فرانسوی اتحادیه اروپا باشد نیز مقررات بالا اجرا خواهد شد.